



ORIGINAL RESEARCH PAPER

## Comparative Study of Female Apostasy in Islamic Jurisprudence and the Codified Laws of Muslim-Majority Countries

Maryam Azhdari Kousha<sup>\*1</sup>, Ruhollah Akrami<sup>2</sup>

**Received:**

21 Jul 2025

**Revised:**

01 Oct 2025

**Accepted:**

08 Nov 2025

**Available Online:**

21 Mar 2026

**Keywords:**

Apostasy, Women, Muslim -Majority Countries, Hadd Punishment, Ta'zīr Punishment.

Abstract

Apostasy is one of the most contentious offenses addressed in Islamic jurisprudence and in the legal systems of certain Muslim-majority states. Grounded in Qur'ānic and hadith-based sources, this offense has been conceptualized in various ways within Islamic legal thought, particularly with respect to the classification of apostasy and the gender of the apostate. These divergent juristic approaches have, in turn, influenced the legislation of those states that have drawn upon Islamic jurisprudence in their law-making processes. One notable area of divergence concerns the treatment of female apostasy and the sanctions prescribed for it. Employing a descriptive-analytical framework and a comparative methodology, this study examines the criminalization of female apostasy in the major Islamic schools of law (Ja'fari/Shi'i, Hanafi, Hanbali, Maliki, and Shafi'i) as well as in the codified laws of selected Muslim-majority jurisdictions. The analysis demonstrates that, in criminalizing female apostasy, these states—depending on the dominant juristic doctrine adopted by their legislators—have established diverse conditions and a range of penalties..

**1\* Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran.**

(Corresponding Author) Email: [m.azhdarikousha@gmail.com](mailto:m.azhdarikousha@gmail.com)

**2 Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.**

**Please Cite This Article As:** Azhdari Kousha, M & Akrami, R (2026). "Comparative Study of Female Apostasy in Islamic Jurisprudence and the Codified Laws of Muslim-Majority Countries". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(1): 93-103.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۹۳-۱۰۳)

## مطالعه تطبیقی ارتداد زنان از منظر فقه اسلامی و حقوق مدون کشورهای مسلمان

مریم اژدری کوشا\*<sup>۱</sup>، روح‌الله اکرمی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استاد تمام، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

### چکیده

ارتداد، از جمله جرایم بحث‌برانگیزی است که در فقه اسلامی و حقوق برخی کشورهای مسلمان پیش‌بینی شده است. در این جرم که منبعث از بسترهای قرآنی و روایی است، رویکردهای مختلفی به لحاظ نوع ارتداد و جنسیت مرتد در فقه اسلامی و به تبع حقوق کشورهایی که با عنایت به مباحث فقهی به قانون‌گذاری روی آورده‌اند، دیده می‌شود. از جمله تفاوت رویکردها در این خصوص به مسأله ارتداد زنان و مجازات آن بازمی‌گردد. در این پژوهش که با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با شیوه تطبیقی تدوین شده است، به بررسی جرم ارتداد زنان در مذاهب مختلف اسلامی (شیعه، حنفیه، حنابله، مالکیه و شافعیه) و حقوق مدون کشورهای اسلامی پرداخته شده است و ملاحظه می‌گردد که کشورهای مسلمان در جرم‌انگاری ارتداد زنان حسب رویکردهای فقهی غالب مد نظر قانون‌گذارشان، مجازات‌ها و شرایط متنوعی را پیش‌بینی نموده‌اند.

**کلمات کلیدی:** ارتداد، زنان، کشورهای مسلمان، حد، تعزیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

ارتداد در لغت به معنای بازگشتن، مصدر باب افتعال از ماده «رَدَد» به معنای بازگرداندن است و «رَدَه» به معنای بازگشت، اسم این مصدر است (الزبیدی، ۱۹۹۴: ۴/۴۵۰).

در اصطلاح فقهی نیز، با وجود تنوع تعابیر فقها در این خصوص نظیر:

الرجوع عن الاسلام، قطع الاسلام، اظهار شعار الکفر بعد الایمان، الخروج عن الاسلام و الکفر بعد الاسلام

همه را می‌توان در یک معنا، یعنی بازگشت از اسلام به کفر خلاصه نمود.

باتوجه به این که ارتداد از پشتوانه قرآنی و روایی برخوردار است، فقهای مسلمان در آثار خود به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و به تبع قانون‌گذاران برخی کشورهای مسلمان نیز، نسبت به این مسأله بی‌توجه نبوده و در قوانین مدون خود، ارتداد را جرم‌انگاری نموده‌اند.

با مطالعه مذاهب مختلف فقهی در زمینه ارتداد درمی‌یابیم که برخی از این مذاهب در خصوص مجازات ارتداد نسبت به زنان و مردان رویکرد افتراقی را در پیش گرفته‌اند، لذا در مقاله حاضر، نگارنده با نگاه تطبیقی به مطالعه دیدگاه‌های مختلف فقهی در خصوص ارتداد زنان و سپس رویکرد قوانین مدون در کشورهای اسلامی در این زمینه می‌پردازد. انگیزه و هدف اصلی محقق از پژوهش نیز با وجود گستردگی مقالات نگارش یافته با موضوع ارتداد، فقدان ادبیات موجود در زمینه اثری است که به صورت ویژه به ارتداد زنان آن هم از منظر تطبیق با حقوق کشورهای مسلمان بپردازد.

لازم به ذکر است، تصریح گردد که در خصوص تبیین مفهوم ارتداد و این که آیا ارتداد مستلزم مجازات دنیوی و یا صرفاً اخروی است و آیا ارتداد صرف بازگشت از اسلام به صورت قولی یا فعلی بوده و یا این که شخص مرتد صرفاً در صورتی مستحق مجازات دنیوی ارتداد است که وضوح حقانیت اسلام بر او آشکار گردیده و صرفاً

از روی عناد و لجاجت مرتد گردد و یا چیزی فراتر از تغییر عقیده و ابراز آن، بلکه نوعی مشارکت و پیوستن به دشمنان اسلام است، اختلاف نظری بین اندیشمندان اسلامی ملاحظه می‌شود که این اختلافات در این پژوهش مد نظر نگارنده نبوده است و نگارنده فارغ از هر نوع قضاوتی در خصوص مبنا و مفهوم ارتداد به بررسی ارتداد زنان پرداخته است.

از طرفی همان‌طور که در عنوان اثر نیز منعکس گردیده، آن‌چه به لحاظ تقنین در کشورهای مسلمان مد نظر بوده است، بررسی کشورهایی است که به جرم‌انگاری ارتداد در قوانین خود روی آورده‌اند، لذا در این پژوهش به کشورهایی که در عرصه عمل، محاکم را در جرایم دارای مجازات منصوص شرعی به منابع اسلامی ارجاع می‌دهند، نظیر عربستان و امارات متحده عربی اشاره نشده است.

باتوجه مقدمات مذکور پژوهش حاضر در دو گفتار سامان می‌یابد: در گفتار اول نگارنده با مطالعه آثار فقهای مذاهب چهارگانه اهل تسنن و آرای فقهای شیعه به بررسی ارتداد زنان و مجازات آن پرداخته است؛ در گفتار دوم باتوجه به رویکرد غالب فقهی مد نظر قانون‌گذاران کشورهای مسلمان در قالب بندهای پنج‌گانه به مطالعه جرم‌انگاری ارتداد زنان و مجازات آن در قوانین کیفری این کشورها اشاره شده است.

## ۱- ارتداد زنان از منظر فقه اسلامی

در این قسمت، بررسی اقوال فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفیه، مالکیه، حنبلیه و شافعیه) در خصوص ارتداد زنان مد نظر نگارنده بوده و به این منظور در هر مذهب، تعدادی از آراء فقها مستنداً مورد اشاره قرار گرفته‌است. همچنین در بین مذاهب شیعه، مذهب شیعه اثنا عشری در این تحقیق محل توجه بوده است که در بند پنجم از این گفتار به آن اشاره می‌شود.

## ۱-۱- ارتداد زنان در فقه حنفیه

بنابر نظر فقهای حنفیه، اگرچه ذکوریت شرط ارتداد نیست و امکان تحقق ارتداد از سوی زنان نیز متصور است، اما زنان در صورت ارتداد کشته نمی‌شوند، بلکه حبس می‌گردند و یا به

۲. نک: حکومت دینی و حقوق انسان، حسینعلی منتظری، ص ۱۳۲، پاسخ‌های متفاوت به حکم مرتد، محمد حسن قدران قرا ملکی، ارتداد و آزادی عقده از نگاه قرآن، سید موسی صدر و ارتداد نگاه دوباره، سید جواد ورعی

۱- آیاتی مانند آیه ۲۱۷ سوره بقره که بیان می‌دارد: «من یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر...» و روایاتی نظیر «من بدل دینه فاقطوه» که منسوب به پیامبر (ص) است (ابن ماجه، ۸۴۸). همچنین «کل مسلم بین مسلمین ارتد عن الاسلام و جحد محمد (ص) نبوتیه و کذب فانه دمه مباح لمن سمع ذالک منه» که منسوب به امام صادق (ع) است (حر عاملی، ۳۲۴/۲۸).

و جنگ می‌باشد و زنان نمی‌جنگند و اگر در روایتی به مجازات قتل برای زنان مرتدی نظیر ام فرقه اشاره شده است، اختصاص به حالتی دارد که او مقاتله کرده یا تشویق به جنگ نموده باشد (السرخسی، ۱۹۹۳: ۱۰/۱۰۹)؛ دلیل دوم که توسط فقیه دیگری مورد توجه بوده است، تبعیت زنان از مردان است، یعنی زن عادتاً در اجابت دعوت اسلام تابع مردان خویش (همسر، پدر و اجداد) است و ممکن است این شبهه مطرح گردد که اسلام و ایمان او حقیقی و بالاصاله نبوده باشد (الکاسانی، ۱۹۸۶: ۷/۱۳۵).

درخصوص علت محبوس شدن زن در این جرم نیز به تحقق گناه عظیم از سوی او استدلال می‌نمایند (الزلیعی، ۱۳۱۳: ۳/۲۸۵).

#### ۱-۲- ارتداد زنان در فقه مالکیه

فقه‌های مالکیه معتقدند به زن مرتد، مهلتی جهت استتابة داده می‌شود، در نتیجه اگر توبه کرد مجازاتی متوجه او نخواهد بود و توبه‌اش مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اما اگر توبه نمود مجازات او قتل خواهد بود، کمالین که ابن جزری می‌گوید: «و یجب ان یتتاب ویمهل ثلاثه ... فان تاب قبلت توبته و ان لم یتب وجب علیه القتل... و إذا ارتدت المرأة فحكمها كالرجل» (ابن جزری، بی‌تا: ۲۳۹).

ابن عبدالبر قرطبی نحوه اجرای مجازات قتل درخصوص مرتد زن را همانند مرتد مرد به صورت گردن زدن عنوان می‌نماید: «و من ارتد عن الاسلام استتیب ثلاثا بعد أخذها فان تاب و الا قتل و قتله ان تضرب عنقه و الرجال و النساء فی ذلک سواء» (ابن عبدالبر، ۱۹۸۰: ۱/۴۸۵).

و علت چنین فتوایی توسط این فقها روایتی از ابوبکر درخصوص ارتداد زنان می‌باشد (الصلقی، ۲۰۱۳: ۲۲/۲۶۷).

درخصوص مهلتی که جهت استتابة به مرتد اعطا می‌شود، بین این فقها اختلاف نظری مشاهده می‌گردد، برخی از آنان به استتابة صرفاً به صورت یک مرتبه، برخی دیگر به استتابة در مدت یک ماه و برخی به استتابة در مدت سه روز اشاره می‌نمایند که قول اخیر از شهرت بیشتری برخوردار است (ابن رشد، ۱۹۸۸: ۱۶/۳۸۰)، حتی دسوقی تعلیلی نیز بر انتخاب سه روز جهت استتابة بیان می‌دارد، بدین نحو که خداوند به قوم حضرت صالح

اسلام آوردن اجبار می‌شوند. به این صورت که هر روز اسلام بر مرتده عرضه می‌شود اگر توبه کرد از حبس خارج می‌گردد، وگرنه بار دیگر حبس خواهد شد و این رویه تا مرگ او و یا اسلام آوردنش ادامه خواهد یافت.

برخی از فقه‌های حنفیه اضافه می‌نمایند که در مدت حبس بر زن سخت گرفته خواهد شد، به این صورت که به او شلاق زده می‌شود که در ادامه به ذکر این اقوال می‌پردازیم:

شیبانی در کتاب السیر الصغیر به مجازات حبس ابد زن مرتد طبق فتوای ابو حنفیه رای می‌دهد. او می‌نویسد: «قلت رأیت المرأة ترتد عن الاسلام کیف الحکم فیها؟ قال ابوحنفیه لا تقتل و لكنها تحبس ابدا حتی تسلم» (الشیبانی، ۱۹۷۵: ۲۰).

طبق نظر سعیدی در التفت فی الفتاوی زن مرتد اجبار به اسلام می‌شود: «فان ارتدت إمراه الحره فإنها تستتاب فان لم تتب حبست و اجبرت علی الإسلام فان ضربها الامام فیما بین الایام ما رأی و ضیق علیها الحبس» (السعدی، ۱۹۸۴: ۲/۶۹۰).

کاسانی نیز صراحتاً به این نکته اشاره می‌نماید که ذکوریت شرط ارتداد نیست و امکان تحقق ارتداد از سوی زن نیز متصور است، لکن مجازاتش فرق می‌کند: «فان المرتده لا تقتل بلاخلاف بین اصحابنا و الرده موجوده و اما الذکوره فلیست بشرط، فتصح رده المرأة عندنا لكنها لا تقتل بل تجبر علی الإسلام» (الکاسانی، ۱۹۸۶: ۱۳۴/۷).

سرخسی به نقل از ابوحنفیه، علاوه بر مجازات حبس به صورت دقیق بیان می‌دارد که چگونه بر زن سخت گرفته می‌شود که این سخت‌گیری در قالب شلاق خواهد بود: «انها تخرج فی کل قلیل و تعذر تسعه و ثلاثین سوطا ثم تعاد الی الحبس الی أن تتوب او تموت» (السرخسی، ۱۹۹۳: ۱۰/۱۰۸).

فقه‌های حنفیه درخصوص عدم اجرای مجازات قتل درخصوص زن مرتد، علاوه بر استدلال به روایاتی نظیر روایات رباح بن ربیع و ابن عباس که از پیامبر (ص) نقل شده است (الشیبانی، ۱۹۷۵: ۲۰۴) به دو دلیل اشاره می‌نمایند: دلیل اول به این موضوع بازمی‌گردد که از نظر این فقها استحقاق قتل مرتد منوط به قتال

نکاح او به واسطه ارتداد از بین خواهد رفت و مفارقت بین او و زوجه حاصل می‌شود، اما این جنبه از احکام ارتداد مطمح نظر نگارنده پژوهش نمی‌باشد.

۱- لازم به ذکر است که احکام متعددی بر ارتداد به لحاظ فقهی بار می‌شود، از جمله تأثیر ارتداد بر نکاح مرتد و تأثیر ارتداد بر اموال مرتد. مطابق نظر فقه‌های حنفیه اموال زن مرتد از آن خود او خواهد بود و پس از مرگش بین ورثه‌اش تقسیم خواهد شد و

به شرح نقل قولی از امام شافعی پرداخته و بیان می‌دارد که در خصوص حکم ارتداد فرقی میان حر و عبد، مرد و زن وجود ندارد و زن مرتد همانند مرد مرتد کشته می‌شود (ماوردی، ۱۴۱۹: ۱۵۵/۱۳).

او در خصوص این مسأله، علاوه بر استدلال به عموم قول پیامبر مبنی بر «من بدل دینه فاقتلوه» به مواردی از سیره ایشان در خصوص حکم به قتل زنان مرتدی، از جمله ام مروان می‌پردازد، در نتیجه مرتد چه فطری و چه ملی باشد، در نظر فقهای شافعی به مجازات قتل محکوم خواهد شد.

در خصوص این که آیا اعطای مهلت جهت توبه به شخص مرتد لازم است یا خیر اقوال این فقها یکسان نمی‌باشد، برخی قائل به استحباب در این خصوص و برخی قائل به وجوب اعطای مهلت هستند. در دسته اخیر نیز در خصوص مهلت اعطایی برخی قائل به سه روز و برخی بدون ذکر مهلت مشخص، مهلت اعطایی توسط محکمه را پیشنهاد می‌نمایند (الشیرازی، بی‌تا: ۲۳۱).

#### ۱-۵- ارتداد زنان در فقه امامیه

نظر مشهور فقهای امامیه در خصوص ارتداد زنان فارغ از نوع آن (ارتداد فطری یا ملی) این است که در چنین حالتی زن کشته نمی‌شود، بلکه مجازات او حبس ابد خواهد بود، مگر از ارتدادش رجوع نماید و توبه کند، ضمن این که این فقها بیان می‌دارند که منطبق با روایات چنین فردی بایستی در مدت حبس به کارهای سخت و دشوار واداشته شود و به میزان بخور و نمیر به او خوراک و طعام دهند و در اوقات پنج‌گانه نماز<sup>۲</sup> به او شلاق زده شود (محقق حلی، ۱۷۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۹۳/۲؛ عباسی زنجانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶/۲).

علت این امر هم کثرت روایات صحیح‌های است که از امام صادق (ع) نقل شده است، نظیر صحیح حرز و صحیح حماد (عباسی زنجانی، ۱۳۹۱) و صحیح حلبی (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۹۳/۲) که بر این موضوع دلالت دارند.

#### ۲- ارتداد زنان از منظر حقوق مدون کشورهای اسلامی

<sup>۲</sup> فقهای حنبلی معتقدند با وجود این که زن مرتد کشته می‌شود، اما تعلق اموالش به او به واسطه ارتداد زائل نمی‌گردد، در نتیجه فقهای حنبلی در خصوص اموال به نگرش حنفی و در خصوص مجازات به نگرش مالکیه نزدیک‌ترند.

<sup>۳</sup> برخی از فقها عبارت اجشب الطعام را به کار می‌برند که بیانگر غذای نامطبوع زن مرتد است که در این زمینه به عادت او مراجعه می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۹۳/۲).

سه روز فرصت توبه داد و در نتیجه فرصت توبه به صورت سه روز، واجب و متعین است (الدسوقی، بی‌تا، ۳۰۴/۴).<sup>۱</sup>

#### ۱-۳- ارتداد زنان در فقه حنبلیه

طبق نظر حنبله در صورت ارتداد زن، به او سه روز به صورت وجوب، فرصت توبه داده می‌شود، در صورتی که توبه نکند، مجازات او قتل با شمشیر خواهد بود. در این خصوص تفاوتی بین زن و مرد مرتد وجود ندارد، کما این که در کتب این فقها تعابیر زیر دیده می‌شود: «و من ارتد عن الإسلام وجب قتله ... و قتل المرتده للخبر و لانها بدلت دین الحق بالباطل تقتل كالرجل» (ابن قدامه الجماعیلی، ۱۹۹۴: ۶۰/۴).

«و من ارتد عن الاسلام من الرجال و النساء وجب قتله» (المقدسی، ۲۰۰۳: ۶۱۷).

«فمن ارتد و هو مکلف مختار استتیب ثلاثه ایام وجوبا فان تاب فلاشی علیه و لایحطوا عمله و ان اثر قتل بالسيف و لایقتله إلا الامام او نائبه» (الکرمی المقدسی، ۲۰۰۴: ۳۲۳).

علت تشریح مجازات قتل برای زنان توسط این فقها، علاوه بر عموم روایت معروف نبوی «من بدل دینه فاقتلوه» حکمی است که توسط رسول الله در خصوص ام مروان اجرا شده است (المقدسی، ۲۰۰۳: ۶۱۷)، علاوه بر آن خالد الرباط در کتاب جامع علوم امام احمد بن حنبل در ذیل مسأله ۲۶۹۵ (زن و مرد مرتد در عقوبت یکسان هستند)، ضمن اشاره به این موضوع که برخی از فقها گمان می‌کنند که زن مرتد کشته نمی‌شود، دلایل متعدد روایی جهت حکم قتل زن مرتد بیان می‌دارد (خالد الرباط، ۲۰۰۹: ۳۱۵/۱۲).

#### ۱-۴- ارتداد زنان در فقه شافعیه

فقهای شافعی عمدتاً در بحث ارتداد به صورت کلی حکم ارتداد مردان را بیان می‌نمایند و صراحتاً متعرض حکم ارتداد زنان نمی‌شوند (الغزالی، ۱۴۱۷: ۴۲۸/۶)، در نتیجه در این مذهب نیز مجازات ارتداد نسبت به زنان و مردان علی‌السویه خواهد بود، البته ماوردی از فقهای شافعی در کتاب الحاوی الکبیر صراحتاً

<sup>۱</sup> در خصوص اموال مرتد این فقها تصریح می‌نمایند که به واسطه ارتداد مال مرتد به صورت فیء برای جماعت مسلمین باقی خواهند ماند و به ورثه نخواهد رسید. فیء غنائمی است که بدون در دسر و جنگ به دست مسلمانان می‌افتد (ابن جزی، بی‌تا).

الحاقات و اصلاحات بعدی است) اشاره نمود که از عنوان قتل بالتسبیب یاد می‌کند و این قسم خاص از قتل صرفاً توسط فقهای حنفیه مورد اشاره قرار گرفته است (اکرمی، ۱۴۰۱: ۱۹).

حال بعد از مشخص شدن مذهب فقهی معیار در پاکستان، بایستی مسأله ارتداد زنان در قانون این کشور را بررسی نماییم. با امان نظر در کد جزایی پاکستان و دستورالعمل‌های پنج‌گانه حدود در این کشور درمی‌یابیم که همان‌طور که حقوق‌دانان این کشور نیز اذعان دارند، ارتداد در این کشور جرم‌انگاری نشده است، اگرچه غالب مذاهب اسلامی ارتداد را یک جرم حدی تلقی می‌کنند، اما دستورالعمل‌های حدی مصوب ۱۹۷۹ این جرم را حذف کرد (Forte, 1994: 38).

البته در این کشور توهین به مقدسات طبق ماده ۲۹۵ کد جزایی جرم‌انگاری شده است و در مواردی با مجازات سنگین اعدام مواجه می‌گردد.

با دقت نظر در ماده ۲۹۵ مذکور درمی‌یابیم، برخی از مصادیق این جرم با جرم ارتداد هم‌پوشانی دارد که در ادامه اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که این جرم اختصاص به مردان نداشته و توسط زنان نیز قابلیت تحقق دارد.

مطابق بند اول این ماده نابودکردن، تخریب کردن و آلوده کردن یک عبادتگاه به قصد توهین به مذهب مجازات حبس و جزای نقدی و یا هر دو را به همراه خواهد داشت.<sup>۴</sup>

علاوه بر تلوث عبادتگاه، هر رفتاری نیز که سبب اهانت به دیانتی گردد، در این کشور طبق قسمت A ماده ۲۹۵ با مجازات همراه است.<sup>۶</sup>

در بند B ماده فوق‌الاشعار ارتکاب عمل نجاست و هتک حرمت عمدی قرآن با مجازات حبس ابد روبه‌رو خواهد شد و در بند C

در بین کشورهایی که از اکثریت مطلق و نسبی جمعیت مسلمان برخوردار هستند، به لحاظ توجه به جایگاه شریعت اسلامی در تدوین قوانین کیفری، رویکردهای مختلفی دیده می‌شود. در برخی از این کشورها، نظیر بحرین، عراق و مصر، شریعت اسلامی جایگاهی در تدوین قوانین کیفری ندارد و در برخی دیگر احکام شرع بدون این که به صورت مدون درآید، در محاکم اجرا می‌شود، نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی، اما در کنار این دو دسته، شاهد کشورهای مسلمانی هستیم که به قانون‌گذاری در عرصه حقوق کیفری منطبق با موازین احکام شرع روی آورده‌اند که با بررسی‌هایی که صورت پذیرفت، به این نتیجه رسیدیم که در ده کشور مسلمان که شش کشور واقع در قاره آسیا و چهار کشور واقع در قاره آفریقا است، موازین شرعی کیفری (البته با حدود و ثغور مختلف) جامه قانون مدون پوشانده است که در این گفتار در قالب بندهای پنج‌گانه این کشورها را با لحاظ مذهب فقهی معیار، درخصوص جرم ارتداد زنان مورد بررسی قرار داده‌ایم.

## ۱-۲- ارتداد زنان در قانون کشورهای مبتنی بر فقه حنفیه

اکثریت جمعیت کشور پاکستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند که در این بین پیروان مذهب حنفی در اکثریت می‌باشند و همین امر سبب اثرگذاری فقه حنفیه در تدوین قوانین این کشور شده است.

اگرچه در متون قانونی و از جمله دستورالعمل‌های پنج‌گانه حدود که در سال ۱۹۷۹ به دستور ژنرال ضیاءالحق و منبعت از شریعت اسلامی به تصویب رسید، صراحتاً تبعیت از این نگرش فقهی تصریح نشده است، اما بررسی قوانین این کشور نشان می‌دهد که فقه حنفیه در تدوین قوانین آن، جایگاه ویژه‌ای داشته است. به عنوان مثال می‌توان به انواع قتل مندرج در ماده ۳۲۱ کد جزایی پاکستان (که همان کد جزایی مصوب ۱۸۶۰ هندوستان با

<sup>۱</sup> - دانشنامه جهان اسلام، جلد پنجم، ذیل واژه پاکستان.

<sup>۲</sup> - Qatl-bis-sabab: Whoever, without any intention, cause death of, or cause harm to, any person, does any unlawful act which becomes a cause for the death of another person is said to commit qatl-bis-sabab.

<sup>۳</sup> - در کتب فقها تلوث کعبه یا یکی از ضرائح مقدسه با کثافات و نجاسات نوعی ارتداد فعلی تلقی می‌گردد (شیروانی، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

<sup>۴</sup> - Whoever destroys damages or defiles any place of worship, or any object held sacred by any class of persons with the intention of thereby insulting the religion of any class of persons or with the knowledge that any class of persons is likely to consider such destruction damage or defilement as an insult to their religion. shall be punished with

imprisonment of either description for a term which may extend to two years, or with fine, or with both.

<sup>۵</sup> - این موضوع اختصاصی به مسلمانان نداشته و در مورد هر دیانتی در پاکستان مجری است که یکی از مزایای قانون این کشور می‌باشد.

<sup>۶</sup> - Whoever, with deliberate and malicious intention of outraging the 'religious feelings of any class of the citizens of Pakistan, by words, either spoken or written, or by visible representations insults the religion or the religious beliefs of that class, shall be punished with imprisonment of either description for a term which may extend to ten years, or with fine, or with both.

<sup>۷</sup> - Whoever wilfully defiles damages or desecrates a copy of the Holy Qur'an or of an extract therefrom or uses it in any derogatory manner

مجازات دیده نمی‌شود که این موضع هم‌سو با نگرش فقه‌های مالکی مذهب است.

### ۲-۲-۲- لیبی

در قانون عقوبات لیبی جرم ارتداد صراحتاً جرم‌انگاری نشده است، البته در این کشور توهین به دین دولت، یعنی اسلام، اهانت به ذات پروردگار و پیامبر اسلام طبق ماده ۲۹۱ قانون مذکور مجازات حبس را به دنبال خواهد شد و با توجه به این که این جرم موضوعاً با جرم ارتداد تفاوت دارد، لذا به جهت حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، در این کشور صرف ارتداد جرم نمی‌باشد.<sup>۶</sup>

### ۲-۲-۳- نیجریه

در ایالت‌های شمالی کشور نیجریه که در گذشته محاکم شرعی، احکام کیفری را براساس منابع فقه مالکیه اجرا می‌نمودند، بعداً با تجویز قانون اساسی فدرال مصوب ۱۹۹۹ از ژانویه سال ۲۰۰۰ نهضت تدوین قانون براساس منابع فقهی آغاز گردید، به گونه‌ای که تاکنون در ایالت‌های زامفارا، باوچی، سوکوتو، جیگاوا، یوبه، کبی و کانو شاهد وضع مقررات مربوط به مجازات‌های جرایم موجب حد و قصاص و دیه هستیم (اکرمی، ۱۴۰۰: ۳۶). البته با بررسی‌هایی که در قوانین این ایالت‌ها صورت دادیم، دریافتیم که قانون‌گذار این کشور جرم ارتداد را مورد جرم‌انگاری قرار نداده است، لذا به جهت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، ارتداد در این ایالت‌ها مشمول مجازات قرار نمی‌گیرد.<sup>۷</sup>

### ۲-۳-۳- ارتداد زنان در قانون کشورهای مبتنی بر فقه شافعیه

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که چهار کشور اندونزی، برونئی، مالزی و یمن که دارای جمعیتی اغلب شافعی مذهب هستند، در تقنین مبتنی بر فقه شافعی می‌باشند، هر چند در

این ماده اهانت به پیامبر (حضرت محمد) به هر صورتی که باشد، مجازات مرگ و یا حبس ابد را علاوه بر جزای نقدی به همراه خواهد داشت که بند اخیر با عنوان حلالی دیگری (سب نبی) می‌تواند هم‌پوشانی داشته باشد.

غیر از کشور پاکستان در بین سایر قوانین مدون کشورهای اسلامی تبعیت از فقه حنفی به صورت نگرش غالب دیده نمی‌شود، اگرچه که در برخی از این کشورها نظیر سودان فقه حنفی موقعیت به‌سزایی دارد.<sup>۲</sup>

### ۲-۲-۲- ارتداد زنان در قانون کشورهای مبتنی بر فقه مالکیه

لیبی، موریتانی و نیجریه سه کشور آفریقایی هستند که سیستم جزایی آن‌ها بر مدار فقه اسلامی شکل گرفته است و آرای فقهی مالکی زیربنای قوانین این کشور را تشکیل می‌دهد، لذا در این قسمت مواضع این ۳ کشور در خصوص جرم‌انگاری ارتداد زنان بررسی خواهد شد.

### ۲-۲-۱- موریتانی

بنابر ماده ۱۱ امر قانونی شماره ۱۶۲ مصوب ۱۹۸۳ که متضمن قانون جنایی موریتانی است، جرایم در این کشور به سه دسته تقسیم می‌گردند: ۱- جرایم موجب تعزیر؛ ۲- جرایم حدی؛ ۳- جرایم مستوجب قصاص و دیه. یکی از جرایم حدی مصرح در قانون مذکور جرم ارتداد موضوع ماده ۳۰۶ این قانون است. بنابر این ماده، هر مسلمانی که مرتد شود، چه زن و چه مرد باشد، ابتدا سه‌روز حبس می‌گردد و در این مدت به او فرصت توبه داده می‌شود، اگر توبه نماید، حد از او ساقط می‌شود، اما امکان تعیین مجازات تعزیری، از جمله حبس و جزای نقدی نسبت به وی در چنین حالتی در اختیار محکمه است و اگر توبه نکند، مجازات او اعدام و مصادره اموال به نفع بیت‌المال است، لذا در این کشور ضمن جرم‌انگاری ارتداد تفاوتی بین زنان و مردان از حیث

۴- «کل مسلم ذکرا کان او انثی ارتد عن الاسلام صراده ... یستتاب اثناءها فإن لم یتب حکم علیه بالقتل و آل ماله الی بیت مال المسلمین.»

۵- «و فی جمیع الحالات التي یدرأ فیها الحد عن المتهم یمکن علیه بالعقوبات التعزیریة المنصوص علیها فی الفقرة الاولى فی هذه المادة (حبس من ثلاثة أشهر الی سنتین و بغرامه من ۵۰۰۰ لوقیه الی ۶۰۰۰ اولیه).»

۶- «کل من اعتدی علانیه علی الدین الاسلامی الذی هو الدین الدوله الرسمي بموجب دستور لیبیا او فاه بالفاظ لاتلیق بالذات الإلهیه او الرسول او الانبیاء یعاقب بالحس مد لا تتجاوز السنین.»

۷- نک: به قانون ایالت زامفارا نیجریه ماده ۱۲۶ الی ۱۹۸ که به جرم‌انگاری جرائم حدی اشاره نموده است.

or for any unlawful purpose shall be punishable with imprisonment for life.

۱- Whoever by words, either spoken or written, or by visible representation or by any imputation, innuendo, or insinuation, directly or indirectly, defiles the sacred name of the Holy Prophet Muhammad (peace be upon him) shall be punished with death, or imprisonment for life and shall also be liable to fine

۲- نک: موقعیت فقه حنفی در حقوق کیفری کشورهای اسلامی مطالعه موردی افغانستان، سودان و امارات متحده عربی (اکرمی، ۱۴۰۰).

۳- نک: قانون‌گذاری کیفری براساس فقه مالکیه در نظام‌های حقوقی معاصر مطالعه موردی لیبی، موریتانی و نیجریه (اکرمی، ۱۴۰۰).

اختیار اعطایی بند ۳ اصل ۸۳ قانون اساسی دستورالعملی با ۲۵۴ ماده در زمینه قانون جزای شرعی ابلاغ نمود که جرایم موجب حد، قصاص، دیه و تعزیر در آن تعیین شدند و از سال ۲۰۱۴ به شکل مرحله‌ای به اجرا درآمد که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت محاکم شرع است (اکرمی، ۱۴۰۰: ۳۶).

مطابق بخش چهار از فصل اول این دستورالعمل، جرایم موجب حد عبارتند از: سرقت، محاربه، زنا، زنا به عنف، لواط، شرب خمر و ارتداد.

تعریف ارتداد و ضوابط مربوط به آن در مواد ۱۰۷ الی ۱۱۷ این دستورالعمل بیان شده است. براساس منطوق ماده ۱۱۰ این دستورالعمل، مجازات ارتداد برحسب کیفیت اثبات آن، اعدام یا حبس حداکثر سی سال و شلاق تا چهل ضربه خواهد بود. به این معنا که قانون‌گذار برونئی برای اثبات ارتداد براساس اقرار مرتکب و یا شهادت حداقل دو شاهد، مجازات سالب حیات اعدام و برای اثبات این جرم با سایر ادله مجازات حبس و شلاق که خفیف‌تر می‌باشد را وضع نموده است که البته حداقل میزان حبس و شلاق مورد اشاره مقنن قرار نگرفته و قاضی حسب محتویات پرونده در تعیین آن به هر میزانی اختیار دارد و در این زمینه هم تفاوتی میان مردان و زنان وجود ندارد.

### ۲-۳-۳- مالزی

اگرچه قوانین اسلامی برای قرن‌ها در مالزی اجرا می‌شد، اما استعمار انگلیس در مالزی سبب تحولات قانونی در این کشور منطبق با سیستم کامل شد. بعد از استقلال مالزی از انگلیس در سال ۱۹۵۷ در اصل سوم قانون اساسی فدرال که در همان سال تصویب شد، این نکته تصریح گردید که دین اسلام، دین رسمی کشور است. در قانون اساسی یادشده مسائل حقوقی کیفری، موضوعی فدرال شناخته شد که در دادگاه‌های مدنی قابل رسیدگی هستند. باوجود این در برنامه نهم پیوست قانون اساسی، به نهاد قانون‌گذاری دولت‌های ایالتی اجازه قانون‌گذاری در زمینه مسائل اسلامی داده شد، لکن در قلمرو کیفری اختیار یادشده محدود به میزانی است که قانون فدرال تجویز نماید که چنین جرایمی در دادگاه‌های شرعی رسیدگی می‌شوند. بر این اساس قوانین کیفری مرتبط با شریعت اسلامی در ایالت‌های کلانتان، کداج، ساراواک، پریس، ملاکا، نگری سمبیلان، پراک، صباح،

مواردی به مواضع دیگر مذاهب اهل سنت عدول کرده‌اند که در ادامه این چهار کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۲-۳-۱- اندونزی

اگرچه قانون اساسی اندونزی مصوب ۱۹۴۵ در اصل ۲۹ اساس حاکمیت را اعتقاد به خداوند متعال اعلام نموده است و در دوره استقلال این کشور از ژاپن (یعنی از سال ۱۹۴۵ به بعد) بسیاری از مقررات صیغه اسلامی به خود گرفت، لکن قانون کیفری اندونزی که مبتنی بر قانون مجازات هلند مصوب ۱۸۸۶ است، در این مسیر چندان دستخوش تغییر نشد. با این وجود استان آچه در شمال مجمع‌الجزایر سوماترا وضعیت متفاوتی را طی نمود.

در واقع مقامات این استان براساس قانون مصوب ۲۰۰۶ مبنی بر خودمختاری امکان اجرای شریعت اسلامی را در عرصه قوانین کیفری پیدا کردند. در همین راستا قانون شماره ۷ آیین دادرسی کیفری در سال ۲۰۱۳، قانون شماره ۶ جنایت در سال ۲۰۱۴، قانون شماره ۸ در مورد مبادی شریعت اسلامی در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید. امروزه استان آچه تنها منطقه در اندونزی است که قوانین کیفری اسلام را تصویب و اجرا می‌نماید (اکرمی، ۱۴۰۰: ۳۳).

به موجب بند ۲ از ماده ۱۹ قانون شماره ۶ جنایت فوق‌الاشعار، جرایم در این قانون ناظر به موارد زیر است: خمر، میسر، خلوت، اختلاط، زنا، آزار و مزاحمت جنسی (هتک عرض)، تجاوز به عنف، قذف، لواط و مساحقه که در این میان زنا، قذف و شرب خمر موجب حد و سایر موارد تعزیری محسوب شده‌اند.

باتوجه به عناوین جرایم مشخص می‌گردد که ارتداد توسط قانون‌گذار این کشور مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است.

### ۲-۳-۲- برونئی

حقوق کیفری برونئی مبتنی بر نظام کامن‌لا است. قانون کیفری این کشور که در سال ۱۹۵۱ تصویب شده، مبتنی بر مجموعه مقررات کیفری هند مصوب ۱۸۶۰ برگرفته از آن است. با این وجود هم‌سو با رویکرد قانون اساسی مصوب ۱۹۵۹ مبنی بر رسمیت اسلام، پس از گذشت مدت طولانی در سال ۲۰۱۳ در جهت اسلامی‌سازی مقررات کیفری، سلطان برونئی در راستای

۲- قانون‌گذار ایالتی نباید مجازات جرم را بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی فراتر از پنج هزار رینگیت یا شلاق بیشتر از شش ضربه یا ترکیب آن‌ها تعیین نماید.

۱- نک: بازتاب فقه در قوانین مجازات کشورهای شافعی مذهب مطالعه موردی اندونزی، مالزی، برونئی و یمن (اکرمی، ۱۴۰۰).

سلانگور، پنانگ، جوهور، ترینگانو و پاهانگ تصویب شده است (اکرمی، ۱۴۰۰: ۴۰).

با این وجود از بین تمامی ایالت‌های مذکور، در زمینه جرم‌انگاری ارتداد صرفاً دو ایالت کلانتان و ترینگانو اقدام نموده‌اند که آن هم صرفاً به صورت یک متن قانونی بوده که عملی نشده است، زیرا به علت محدودیتی که قانون اساسی فدرال ایجاد کرده است، امکان اجرای برخی مجازات‌ها، از جمله ارتداد در این ایالت‌ها فعلاً میسر نمی‌باشد.

طبق ماده ۵ قانون جرایم شرعی ۱۹۹۳ ایالت کلانتان جرایم موجب حد عبارتند از: شرب مسکر، قذف، زنا (لواط)، سرقت، محاربه و ارتداد و همین موضوع توسط ماده ۴ قانون جرایم کیفری شرعی حدود و قصاص مصوب ۲۰۰۲ ایالت ترینگانو اتخاذ شده است.

براساس قسمت ۲۳ قانون ایالت کلانتان که به جرم ارتداد می‌پردازد، مجازات ارتداد اعدام و ضبط اموال به نفع بیت‌المال است و در این خصوص فرقی بین زن و مرد وجود ندارد، اما قبل از اجرای حکم، به مرتد فرصت مناسبی جهت توبه داده می‌شود و به این منظور او زندانی می‌گردد.

همچنین طبق ماده ۲۵ قانون جرایم کیفری شرعی حدود قصاص مصوب ۲۰۰۲ ایالت ترینگانو، جرم ارتداد تعریف شده و در ماده ۲۶ آن به مجازات این عمل اشاره می‌نماید که بر این اساس مجازات ارتداد فارغ از جنسیت مرتد اعدام و ضبط اموال مرتد به نفع بیت‌المال می‌باشد.

#### ۲-۳-۴- یمن

با اتحاد دو یمن شمالی جنوبی در سال ۱۹۹۰، قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۹۱ به تصویب رسید که در اصل ۲ آن بر رسمیت دین اسلام تأکید شد. قانون‌گذار یمنی نیز در سال ۱۹۹۴ با تصویب قانون جرایم و مجازات‌ها به تدوین احکام کیفری شرعی در قالب قانون اقدام نمود (اکرمی، ۱۴۰۰: ۴۴).

ارتداد، از جمله جرایم مستوجب حدی است که در ماده ۱۱ این قانون احصا شده است و قانون‌گذار یمن در فصل سوم از قانون یادشده (جرایم الماسه بالدین) به ارتداد و مجازات آن می‌پردازد. به این منظور ماده ۲۵۹ قانون فوق‌الاشعار بیان می‌دارد که: «مجازات ارتداد فارغ از این که مرتد فطری و یا ملی بوده و زن یا مرد

باشد، اعدام خواهد بود، اما به او فرصت یک‌ماهه جهت توبه داده می‌شود و ۳ بار توبه بر او عرضه می‌گردد» که این مهلت در بین کشورهای اسلامی مندرج در این پژوهش حداکثر مهلت اعطایی می‌باشد.

با بررسی کشورهایایی که در این قسمت از نظر گذشت، درمی‌یابیم که همان نگرش عدم تفاوت بین مجازات زنان و مردان مرتد که در فقه شافعی وجود داشته، در این کشورها نیز توسط قانون‌گذاران مورد توجه بوده است.

۲-۴- ارتداد زنان در قانون کشورهای مبتنی بر نظام آزادی فقهی در بین کشورهایایی که ضرورت تشریح براساس مبانی اسلامی را درک کرده و به تدوین قوانین کیفری مبتنی بر این مبانی دست یازیده‌اند، عمدتاً یک نگرش فقهی غالب، البته با موارد عدول بر برخی احکام دیده می‌شود، اما در این میان کشور سودان موقعیت متمایزی دارد، زیرا قانون اساسی سودان مصوب ۲۰۰۵ بر رسمیت دین اسلام تصریح نکرده است، البته اصل پنجم شریعت و فقه اسلامی را منبع قانون‌گذاری می‌داند، بدون آن که مذهب خاصی را معیار قرار داده باشد. در قانون مجازات ۱۹۹۱ سودان نیز که تاکنون در این کشور رسمیت دارد، مقررات بر فقه اسلامی مبتنی شده است، بدون آن که از موضع مذهب خاصی تبعیت شده و به آن محدود گردیده باشد (اکرمی، ۱۴۰۱).

در نتیجه این کشور را در دست چهارم به صورت مجزا مورد سنجش قرار می‌دهیم. در ماده ۱۲۶ قانون جنایی این کشور به تعریف جرم ارتداد و مجازات آن پرداخته شده است. براساس ماده مذکور مجازات ارتداد، شامل هر مسلمانی است و جنسیت او در این امر دخیل نمی‌باشد و این مجازات نیز به صورت اعدام است، البته مهلتی بنابر نظر محکمه به شخص مرتد جهت توبه اعطا می‌شود و مجازات مذکور صرفاً در صورت اصرار مرتکب بر ارتدادش جاری خواهد شد.

#### ۲-۵- ارتداد زنان در قانون کشورهای مبتنی بر فقه امامیه

در بین کشورهای اسلامی دارای حقوق مدون مبتنی بر موازین شرع در عرصه کیفری، صرفاً جمهوری اسلامی ایران است که با امعان نظر در آرای فقهای امامیه به تدوین قوانین کیفری پرداخته است. تکیه قوانین در ایران بر فقه شیعی و موازین اسلامی در اصول متعدد قانون اساسی، نظیر اصول ۴، ۱۲، ۷۲، ۱۷۷ مورد توجه قرار گرفته است.

نقد مهمی که بر چنین مصلحت‌اندیشی وارد است، این می‌باشد که چگونه امکان‌پذیر است که بیان امری دارای مصلحت نباشد، اما اجرای آن خالی از مشکل باشد؟ در واقع اگر به دلیل فشارهای بین‌المللی ذکر عنوان ارتداد در قانون به مصلحت نمی‌باشد، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که اجرای مجازات آن بدون عکس‌العمل باشد؟ و اگر ملاک عدم ذکر مجازات‌های شدید و سنگین است، چرا قانون‌گذار ایرانی در این زمینه سیاست دوگانه‌ای اتخاذ کرده و برخی مجازات‌ها، نظیر قطع ید، صلب و رجم را صراحتاً تصریح نموده است.

در نتیجه به صراحت ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص حدودی که در قانون نیامده، بایستی بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی به منابع فقهی و فتاوی معتبر مراجعه کرد و در این میان از آنجایی که شورای نگهبان تفسیر متعینی از منابع فقهی و فتاوی معتبر ارائه ننموده است، شایسته است، خوانش‌هایی (ولو به صورت شاذ در فقه امامیه) در خصوص مفهوم ارتداد مورد پذیرش قرار گیرد که ارتداد را امری فراتر از اظهار عقیده، بلکه تهدیدی برای جامعه اسلامی و پیوستن به دشمنان اسلام می‌داند.

#### نتیجه‌گیری

کشورهای مسلمان در جرم‌انگاری ارتداد زنان حسب رویکردهای فقهی غالب مد نظر قانون‌گذارشان، مجازات‌ها و شرایط متنوعی را پیش‌بینی نموده‌اند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.

**تعارض منافع:** در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

در زمینه جرایم و مجازات‌ها نیز هم‌اکنون قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در این کشور مجری می‌باشد که از ماده ۲۱۷ الی ۲۸۸ تحت عنوان کتاب حدود، به جرایم حدی و مجازات آن اشاره می‌نماید، البته در کتاب مذکور صراحتاً نامی از جرم ارتداد برده نشده است، اما ماده ۲۲۰ قانون مذکور بیان می‌دارد: که نشان می‌دهد قانون‌گذار ایران نظر به این دارد که غیر از حدودی که در قانون مجازات اسلامی وجود دارد، حدود دیگری نیز هستند که قانون نامی از آنان نبرده است، اما منظور کدام حدود هستند که قانون‌گذار نامی از آن‌ها نبرده است؟ و چرا قانون‌گذار همانند حدود دیگر از آن‌ها در قانون نام نبرده است؟

در جواب باید گفت، بررسی مواد پیشنهادی در لایحه قانون مجازات، این نکته را به درستی مشخص می‌کند که منظور قانون‌گذار از این ماده مشخصاً موضوع ارتداد است، چرا که در لایحه پیشنهادی به صراحت سخن از ارتداد آمده و مجازات آن مشخص شده بود، اما چرا قانون‌گذار همانند موارد دیگر به صراحت در ماده ۲۲۰ سخنی از ارتداد به میان نیاورده است، در پاسخ این‌گونه گفته شده است که باتوجه به این که برخی از جرایم حدی جنبه سیاسی و حقوقی بشری پیدا کرده و بیان احکام آن مستمسکی برای فشار سازمان‌های بین‌المللی بر نظام جمهوری اسلامی خواهد بود، از این رو لازم بود تدبیری اندیشه شود که هم جرایم مزبور و احکام آن به نحوی در قانون آورده می‌شد و هم به طور صریح در قانون گنجانده نمی‌شد تا هم پای‌بندی قانون‌گذار به شرع انور را بیان دارد و هم از هجمه بدخواهان بکاهد و از این شمار می‌توان به جرم ارتداد اشاره نمود. آوردن و نیاوردن این بحث در قانون مجازات جدید کش و قوس‌های فراوانی در پی داشت. گروهی معتقد بودند جزئیات دقیق این بحث می‌تواند از تشتت آرا بکاهد و در میان دیدگاه‌های متفاوتی که در این زمینه وجود دارد، قدر متیقنی اخذ گردد که باعث از بین رفتن حقوق مردم نگردد. در مقابل عده‌ای نظر به این داشتند که باتوجه به مسائل بین‌المللی و فضای موجود، بیان صحیح احکام مربوط به ارتداد به مصلحت نمی‌باشد و با آوردن جرایم حدی مذکور به شکل کنونی‌ای که در مورد ۲۲۰ گنجانده شده است، موافق بودند. رییس وقت قوه قضاییه حضرت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی با این پیشنهاد موافق بود و مجلس و شورای نگهبان نیز همین پیشنهاد را تصویب و تأیید نمودند (باقری، ۱۳۹۴: ۸۷/۱).

### منابع

- الزبیدی، محمد بن محمد (۱۹۹۴). جلد چهارم.
- الشیبانی، محمد بن حسن (۱۹۷۵). السیر الصغیر.
- السغدی، محمد بن احمد (۱۹۸۴). التتف فی الفتاوی. جلد دوم.
- الکاسانی، علاءالدین (۱۹۸۶). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. جلد هفتم.
- السرخسی، شمس‌الدین (۱۹۹۳). المبسوط. جلد دهم.
- الزیلعی، عبدالله بن یوسف (۱۳۱۳).
- ابن جزی، محمد بن احمد (بی‌تا).
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۹۸۰).
- لصلقی، (۲۰۱۳). ]
- ابن رشد، محمد بن احمد (۱۹۸۸).
- الدسوقی، محمد بن احمد (بی‌تا). حاشیة الدسوقی. جلد چهارم، بیروت: العالم.

